



دکتر رضا ریاحیان

یادداشت پژوهشگر باستان‌شناسی به یاد زنده‌یاد دکتر مجیدزاده

در جست‌وجوی تمدن گمشده آرّت



نام آن آرّت معرفی می‌شود.

خلاصه داستان حماسی این کتیبه به این قرار است که پادشاه بین‌النهرین (انمرکار) جهت ساخت‌وساز شهرهای خود از جمله معابد از پادشاه سرزمین آرّت خواسته‌های معقول و نامعقولی دارد. این درخواست در مرحله‌ی اول از طرف پادشاه سرزمین آرّت رد می‌شود و در پایان با نزاع و تعامل و کمک گرفتن از خدایان خود این کار صورت می‌گیرد. برای اطلاعات بیشتر از متن این کتیبه رجوع شود به کتاب تاریخ بین‌النهرین (تاریخ فرهنگی اجتماعی) جلد دوم صفحه ۲۸۰-۲۹۱ نوشته زنده یاد دکتر یوسف مجیدزاده.

منطقه کرمان از جمله حوزه فرهنگی هلیل‌رود با توجه به شرایط اقلیمی و زیست‌بوم، همیشه در ادوار مختلف تاریخی فرهنگی از جمله پیش از تاریخ (پارینه سنگی تا مفرغ) مکان مناسبی جهت شکل‌گیری سکونتگاه‌های باستانی بوده است. اولین آثار حضور انسان در این منطقه مربوط به دوران پارینه سنگی (انسان اولیه) شامل ابزارهای سنگی در دشت ماهان که توسط زنده‌یاد امین بیلدار ماهانی باستان‌شناس برجسته کرمان شناسایی شده است. همچنین وجود این آثار در غار حسین‌آباد دشت اسفندقه نیز محتمل به نظر می‌رسد.

پس از این دوره بود که انسان شروع با اهلی کردن حیوانات، آشنایی با گیاهان و ابداع حرفه‌های مختلف از جمله سفال به زندگی اجتماعی تن داد. در این منطقه آثار و شواهدی وجود دارد که می‌توان به تل آتشین بم و تپه گاوکشی اسفندقه مربوط به دوران آغاز روستانشینی (نوسنگی) اشاره کرد. در دوران روستانشینی (مس سنگی) نیز منطقه کرمان پتانسیل شکل‌گیری استقرار را داشته است. مهمترین مکان‌های این دوره «تپه یحیی» در دشت صوغان و «تل ابلیس» در دشت بردسیر هستند. اولین آثار و شواهد تولید فلز از جمله مس در منطقه جنوب شرق در تل ابلیس وجود دارد.

دوران شهر نشینی (تمدن) برابر با شکل‌گیری حکومت، جوامع طبقاتی، روابط تجاری، ایجاد صنایع مختلف به صورت گسترده، برگزاری آیین‌ها و مراسم خاص مذهبی به صورت فراگیر و همچنین آغاز نگارش می‌باشد. منطه کرمان از جمله حوزه فرهنگی هلیل‌رود دارای آثار و شواهدی از این دوران می‌باشد که از مهمترین آن‌ها می‌توان به محوطه‌ی شهداد و کنار صندل جیرفت اشاره کرد. محوطه باستانی شهداد یکی از مراکز مهم دوران شهرنشینی در جنوب شرق به حساب می‌آید. بر اساس داده‌های فرهنگی بدست آمده ارتباطاتی با دیگر محوطه‌ها وجود دارد. شهر سوخته سوخته داشته است. شاخص مهم آن مراکز صنعتی از جمله تولید سنگ‌های قیمتی (الاجورد) می‌باشد. همچنین دیگر داده‌های فرهنگی از جمله درفش شهداد نیز از مهمترین یافته‌های این محوطه است. نشان دهنده‌ی باورها و اعتقادات مردمان آن روزگار است.

محوطه‌ی کنار صندل به فاصله‌ی حدود ۲۰ کیلومتری جنوب شهر جیرفت در حوزه‌ی میانی

شهری باستان است. در واقع؛ اگر محلی برای سرزمین آرّت جستجو می‌شود می‌توان احتمال داد آن سرزمین منطقه کرمان و حوزه فرهنگی هلیل‌رود به مرکزیت محوطه کنار صندل باشد. در کتیبه‌ی معروف به آرّت چند نکته در خصوص موقعیت و هویت این سرزمین حائز اهمیت است. در این کتیبه محل سرزمین آرّت را منطقه‌ای بعد از سرزمین انشان (فارس) تعیین می‌کند، با این مضمون که فروانروی بین‌النهرین (انمرکار) پیک مناسبی برگزیده تا از کوه‌های انشان گذشته و خود را به سرزمین آرّت برساند؛ بر این اساس احتمالاً منطقه کرمان (حوزه فرهنگی هلیل‌رود) محل این تمدن بوده است.

بهر حال محل سرزمین آرّت با توجه به متن داستان که محل آن بعد از سرزمین انشان (محدوده سیاسی استان فارس) تعیین شده، می‌توان احتمال داد منطقه کرمان (حوزه فرهنگی هلیل‌رود) محل اصلی سرزمین این تمدن گمشده باشد. نکته‌ی دیگر این‌که بعضی صاحب‌نظران نام منطقه کرمان را در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد، مرهشی عنوان کرده‌اند، بهرحال آنچه از مطالعات باستان‌شناسی صورت گرفته و پتانسیل جغرافیایی منطقه کرمان از جمله حوزه فرهنگی هلیل‌رود استنتاج می‌شود این است که در این منطقه در دوران‌های پیش از تاریخ، شرایط مناسب شکل‌گیری استقرارهای باستانی وجود داشته و در دوره از آن جایگاه مهمی در منطقه و فرمانطقه محسوب می‌شده که مهمترین آن، دوران شهرنشینی همزمان با تمدن آرّت و سومریان می‌باشد.

این تمدن از نظر زمانی هم‌دوره تمدن‌های سرزمین بین‌النهرین (سومریان) بوده، ولی در بعضی از هنرها از جمله ظروف سنگ صابونی و خط، سابقه‌ی طولانی و هنری فاخرتر از سومریان داشته، به طوری‌که شناسایی تعداد کمی از ظروف سنگ صابونی در معبدی به نام خواجه بین‌النهرین فرضیه اینکه این اشیاء وارداتی بوده‌اند مطرح شد. باکشف اشیاء جیرفت (سنگ صابونی) به تعداد زیاد و متنوع و همچنین وجود معادن این سنگها در منطقه می‌توان احتمال داد که اشیاء بین‌النهرین از جیرفت وارد شده‌اند.

منطقه جنوب شرق کشور از جمله کرمان (حوزه فرهنگی هلیل‌رود) که شامل شهرستان‌های بافت، رابر، جیرفت، عنبرآباد، رودبار جنوب، کهنوج، قلعه‌گنج و منوجان می‌شود احتمالاً محل سرزمین آرّت و یا مرهشی است. ولی فارغ از تعیین نام برای آن، در دوران باستان از جمله شهرنشینی از نظر مطالعات باستان‌شناسی جایگاه مهمی در منطقه و فرمانطقه‌ای دارد. اگر هم تمدنی در دوران شکل‌گیری حکومتها (شهر نشینی) در این منطقه وجود داشته به احتمال زیاد در حوزه‌ی میانی حوزه فرهنگی هلیل‌رود واقع بوده و یکی از مراکز مهم آن (احتمالاً مرکز حکومت) در دشت جیرفت، و محوطه کنار صندل است. این تمدن همزمان با دیگر تمدن‌های شهرنشینی منطقه از جمله عیلامی‌ها در خوزستان و فرمانطقه‌ای از جمله بین‌النهرین بوده و در بعضی هنرها و حرفه‌ها از نظر تکنیک و مهارت دارای نبوغ و پیشرفت بوده‌اند.

در پایان می‌توان اظهار داشت آنچه‌ا شواهد جغرافیایی و تاریخی فرهنگی بدست آمده از محوطه‌های باستانی مربوط به هزاره‌ی سوم پیش از میلاد استان کرمان استنتاج می‌شود. این‌که محوطه‌ی کنار صندل جیرفت شرایط بهتری از نظر وسعت و کثرت داده‌های فرهنگی نسبت به دیگر محوطه‌ها از قبیل شهداد و تپه یحیی دارد، و به عبارتی اکثر شاخص‌های یک مرکز حکومت تمدنی را دارا می‌باشد، نشان می‌دهد این محوطه از مکان‌های مهم تمدن گمشده آرّت در دوران باستان بوده است.

هلیل‌رود واقع و ابعاد آن حدود ۲×۲ کیلومتر است؛ به طوری‌که کل روستای کنار صندل را شامل می‌شود. پس از حفاری‌های غیرمجاز سال ۱۳۸۱ هیات بین‌المللی باستان‌شناسی به سرپرستی زنده‌یاد دکتر یوسف مجیدزاده به مدت شش فصل کاری طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۶ شروع به حفاری علمی در این محوطه کرد. این محوطه شامل تپه‌ی کنار صندل جنوبی (عمارت حکومت نشین)، کنار صندل شمالی (بنای مصطبه‌ای شبیه زیگورات) و گورستان محوطه‌آباد می‌باشد. فاصله‌ی هرکدام نسبت به یکدیگر حدود ۱۲۰۰ متر و فضای بین آن‌ها منازل مسکونی، مراکز صنعتی، مرکز نگهداری کتیبه‌های خطی و انباشت اثر مهرها وجود دارد. مهمترین یافته‌های این محوطه شامل نیم‌تنه نقش برجسته گلی، اثر مهر که دارای موتیف‌های شبیه به ظروف سنگ صابونی، کوره‌های ذوب فلز، اشیاء سنگ صابونی، کتیبه‌های خطی، ظروف سفالی، اشیاء مفرغی و ابزار سنگی هستند. قدمت این آثار مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد (دوران شهرنشینی) تاریخی حدود ۵ هزار سال پیش دارند.

بهرحال در این منطقه از ایران مکان باستانی مربوط به دوران شهرنشینی باستان وجود دارد که اکثر شاخص‌های یک زندگی شهری را در درون باستان داشته است. از مهمترین شاخص‌های آن می‌توان به بنای مصطبه‌ای (زیگورات) واقع در تپه کنار صندل شمالی اشاره کرد که به احتمال زیاد اجرای مراسم مذهبی و عمومی توسط مردمان آن روزگار در این قسمت اجرامی‌شده است. شاخص دیگر آن بنای حکومتی (کنار صندل جنوبی) و فضاهای معماری اطراف آن می‌باشد که نشان‌دهنده‌ی شکل‌گیری حکومت‌های اولیه است. مرکز صنعتی به همراه کوره‌های ذوب فلز نیز یکی دیگر از شاخص‌های زندگی شهرنشینی است که نشان دهنده‌ی شکل‌گیری صنایع مختلف و تولید اولین آلیاژ (مفرغ) در محدوده‌ی این فرمانطقه است. اختراع خط و آغاز نگارش یک از مهمترین شاخص‌های دوران شهرنشینی است که تعدادی کتیبه‌ی خطی در محدوده‌ی این محوطه شناسایی شد و در این زمینه خانم دکتر مقدم و دیگر صاحب‌نظران بر روی آن‌ها پژوهش انجام داده‌اند و در تحقیقات اولیه نشان داده که خطوط این کتیبه‌ها مختص به منطقه هلیل‌رود بوده است. وجود گورستان‌های غنی (محوطه‌آباد) از اشیاء سفالی، مفرغی و سنگ صابونی (کلریت) نشان‌دهنده‌ی جوامع طبقاتی است و از شاخص‌های مهم جوامع شهری باستانی می‌باشد که در این محوطه وجود دارد.

بهرحال بررسی و مطالعه‌ی هرکدام از این شاخص‌ها می‌تواند اطلاعات مناسبی در زمینه‌ی جوامع شهری باستان در این منطقه ارائه دهد؛ به همین منظور روی بعضی از این شاخص‌ها پژوهشگران به طور مستقل مطالعاتی انجام داده‌اند. با این توصیفات می‌توان اظهار داشت این محوطه‌ی باستانی نسبت به دیگر محوطه‌ها در دوران شهرنشینی از جمله شهداد و شهر سوخته دارای شاخص‌های بیشتر زندگی

دیروز ۲۸ مهرماه من هم خبر تاسف برانگیز درگذشت دکتر یوسف مجیدزاده، باستان‌شناس و مردی بزرگ که از مفاخر تاریخ و فرهنگ ایران بود را شنیدم و بسیار متأثر شدم. او به حق از باستان‌شناسان برجسته‌ی جهان بود. نگارنده‌ی این یادداشت، افتخار شاگردی او را در کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه‌ی کنار صندل بین سال‌های ۱۳۸۲- ۱۳۸۶ داشته و بسیار از ایشان آموخته است. روحش شاد و یادش گرامی باد.

فقدان این باستان‌شناس بزرگ ایرانی، بسیار دردناک و غیر قابل جبران است؛ ولی سبک و راه علمی ایشان توسط شاگردانش ادامه خواهد یافت. معرفی تمدن‌های گمشده ایران مختص این محقق برجسته است. به همین مناسبت یادداشت مختصری در باره‌ی تمدن گمشده آرّت به بهانه‌ی یادکردی از زنده‌یاد دکتر مجیدزاده نوشته‌ام که در این جا به مخاطب‌ها و علاقه‌مندان به پژوهش‌های باستان‌شناسی، به خصوص منطقه‌ی جنوب کرمان و تمدن جیرفت تقدیم می‌کنم. البته در آینده‌ی نزدیک تلاش خواهیم کرد تا یادداشت مفصلی درخصوص پیشینه علمی و شخصیت ایشان هم منتشر بکنم. در ادامه متن یادداشت «در جست‌وجوی تمدن گمشده آرّت» را بخوانید.

پس از کشف محوطه‌ی باستانی شهداد، بعضی از محققین تمدن گمشده آرّت را منطقه شهداد معرفی کرده‌اند. زنده‌یاد دکتر یوسف مجیدزاده هم این سرزمین گمشده را ناحیه‌ای در کرمان معرفی کرده بود تا این‌که در اوایل دهه‌ی هشتاد حفاری‌های غیرمجاز صورت گرفته در منطقه جیرفت، باعث شناسایی اشیاء تاریخی و فرهنگی از قبیل ظروف سنگ صابونی (کلریت) شد و ایشان مطالعات مقدماتی در این زمینه بر روی اشیاء کشف شده انجام داد و منجر به انتشار کتاب «جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق» شد.

در ادامه با حفاری‌های باستان‌شناسی در محوطه‌ی کنار صندل جیرفت توسط ایشان، آثار و شواهدی شهری مربوط به هزاره‌ی سوم قبل از میلاد شناسایی شد که نشان‌دهنده‌ی شهری با قدرت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در این منطقه از جیرفت، در زمان هزاره‌ی سوم پیش از میلاد، همزمان با تمدن سومر بین‌النهرین وجود داشته است. با مطالعه بر روی هرکدام از این یافته‌های باستانی می‌توان به زوایای پنهان روابط این تمدن با دیگر تمدن‌ها از جمله بین‌النهرین دست یافت. بر اساس شواهد بدست آمده از منطقه میانی هلیل‌رود (کنار صندل) محوطه زنده‌یاد دکتر مجیدزاده تقویت شد و ایشان محل این تمدن گمشده (آرّت) را حوزه فرهنگی هلیل‌رود معرفی کردند و از آن پس در محافل علمی و غیر علمی در خصوص این نظریه اظهار نظرهای متفاوتی صورت گرفته است. در این یادداشت سعی شده به بررسی این موضوع از زوایایی مختلف پرداخته شود تا به درک مناسبی از وضعیت سرزمین و تمدن آرّت دست یابیم.

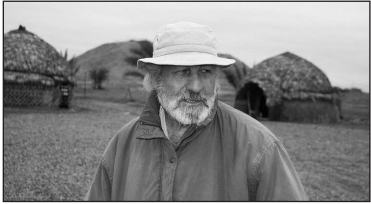
برای اولین بار نام سرزمین آرّت arata بر روی کتیبه‌ای به خط میخی و به زبان سومری مربوط به اوایل هزاره‌ی دوم قبل از میلاد آمده است. داستان این کتیبه، طولانی‌ترین داستان حماسی اساطیر سومریان می‌باشد. بر اساس این کتیبه بین دو پادشاه سرزمین بین‌النهرین (انمرکار) و پادشاه سرزمین ارت تعاملات و تنش‌هایی صورت می‌گیرد. آنچه از متن این کتیبه استنتاج می‌شود، این‌که در سرزمین ایران‌شهر یا حکومتی با قدرت و شکوفه‌ای در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی وجود داشته که دارای معادن غنی فلزی سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی و دارای هنرمندان ماهر زبردست بوده که در متن کتیبه



خبر

مجیدزاده باستان‌شناس نامدار ایران درگذشت؛

سفر ابدی کاوشگر و کاشف تمدن جیرفت



استقامت - گروه جامعه: دکتر یوسف مجیدزاده باستان‌شناس و کاوشگری که با کشف تمدن جیرفت، خود را در حافظه‌ی تاریخی ایرانیان و به ویژه مردم منطقه‌ی کرمان ماندگار کرد، شامگاه سه‌شنبه ۲۷ مهرماه در خاک فرانسه درگذشت.

به نقل از «میراث خبر»، سیدمنصور سیدسجادی، باستان‌شناس که همکاری‌های گسترده‌ای با دکتر مجیدزاده داشته است، در گفت‌وگو با این پایگاه خبری از درگذشت این باستان‌شناس شناخته شده که تلاش‌های بسیاری در راه شناخت ایران به جهان کرده بود اظهار تاسف و تألم کرد.

او تأکید کرد: «مجیدزاده در طول زندگی‌اش نقش مهمی در پیشبرد باستان‌شناسی ایران و همچنین شناخت شدن جیرفت به جهان داشت و اکنون ما این باستان‌شناس تأثیرگذار را از دست دادیم.»

مجیدزاده در سال ۱۳۱۵ در تبریز متولد شد. او پس از تحصیل باستان‌شناسی در دانشگاه تهران، برای ادامه تحصیل به دانشگاه شیکاگو رفت و در سال ۱۳۵۵ دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران و بین‌النهرین را گرفت. پس از بازگشت به ایران، در دانشگاه تهران به تدریس و پژوهش پرداخت و سرپرستی کاوش‌هایی را در محوطه‌هایی چون خغامیش، تپه قبرستان، ازبکی و جیرفت بر عهده گرفت.

نام او بیش از هر چیز با جیرفت گره خورده است؛ منطقه‌ای در جنوب استان کرمان که در آغاز دهه‌ی ۸۰ خورشیدی، هم‌زمان با انتشار خبر غارت گسترده آثار باستانی، به کانون توجه افکار عمومی و جامعه باستان‌شناسی تبدیل شد. کاوش‌های کنارصندل به سرپرستی مجیدزاده، زمینه‌ای برای بررسی نظام‌مند محوطه‌ای فراهم کرد که یافته‌های آن می‌توانستند در شناخت مناسبات فرهنگی و اقتصادی جوامع باستانی جنوب شرق ایران نقشی مهم داشته باشند.

از دست دادن مجیدزاده بسیار غم‌انگیز است و بدون تردید با درگذشت او، ایران یکی از باستان‌شناس‌های نامدار خود را از دست داد.

تسلیم مدیرکل میراث فرهنگی کرمان

مدیرکل میراث فرهنگی استان کرمان در پی درگذشت دکتر یوسف مجیدزاده، باستان‌شناس برجسته و پژوهشگر نامدار تمدن جیرفت، این ضایعه را به جامعه علمی و باستان‌شناسی کشور تسلیت گفت و از سال‌ها تلاش علمی او برای شناخت و معرفی ظرفیت‌های تمدنی ایران یاد کرد.

سید موید محسن‌نژاد با ابراز تأسف از درگذشت دکتر مجیدزاده، باستان‌شناس برجسته ایرانی، اظهار کرد: درگذشت این پژوهشگر پیشکسوت، ضایعه‌ای برای جامعه باستان‌شناسی و میراث فرهنگی کشور است، دانشمندی که بخش مهمی از فعالیت‌های علمی خود را به شناخت و معرفی پیشینه تمدنی ایران و کاوش در محوطه‌های باستانی اختصاص داد.

وی افزود: نام دکتر مجیدزاده با پژوهش‌های باستان‌شناختی جنوب کرمان و کاوش‌های محوطه کنارصندل جیرفت پیوندی ماندگار دارد، پژوهش‌هایی که در شناخت ابعاد تازه‌ای از تمدن کهن این منطقه و جلب توجه جامعه علمی به ظرفیت‌های تاریخی جنوب شرق ایران نقش موثری ایفا کرد.

وی در ادامه بیان کرد: یافته‌های باستان‌شناختی جیرفت، بخشی ارزشمند از هویت تاریخی و فرهنگی ایران را نمایان کرده‌اند و تلاش‌های پژوهشگرانی همچون دکتر مجیدزاده در شناسایی، مستندسازی و معرفی این میراث، اهمیت صیانت از محوطه‌های تاریخی و تدوام پژوهش‌های علمی را بیش از پیش آشکار می‌کند. محسن‌نژاد با تأکید بر ضرورت پاسداشت میراث علمی و پژوهشی پیشکسوتان باستان‌شناسی کشور بیان کرد: حفظ و معرفی آثار و محوطه‌های تاریخی، افزون بر صیانت از هویت ملی، زمینه‌ساز توسعه مطالعات تاریخی، تقویت گردشگری فرهنگی و انتقال شناخت دقیق‌تری از گذشته این سرزمین به نسل‌های آینده است.

آگهی فقدان سند مالکیت

ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت در تاریخ مندرج در ذیل آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک فوق الذکر میباشد که در این آگهی ذکر نگردیده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان زرنند مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت و یا سند معامله تسلیم نماید در غیر این صورت پس از اتمام مدت مذکور نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد. ش ۲۳۷۴۹۴

اداره ثبت و اسناد و املاک شهرستان زرنند

سند مالکیت شش‌دانگ پلاک ۶۴۴۹ فرعی از ۱۸۸۶۷ اصلی واقع در رزند بخش ۱۳ کرمان که با شماره دفتر الکترونیکی ۰۸۰۰۳۱۹۰۰۳۱۹۷ بنام آقای محمد مهدی حاج عبداللّهی فرزند اصغر ثبت و با شماره جایی ۷۵۸۲۲ سری ج ۹۴ صادر و تسلیم گردیده است سپس به موجب سند رهتی به شماره ۵۲۲۷۹-۵/۲/۱۳۹۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۱ شهر زرنند استان کرمان در قبال مبلغ ۱،۲۶۶،۲۲۵،۸۲۲ ریال به مدت ۱۴۴ ماه در رهن بانک مسکن شعبه چمران قرار گرفته است که نامبرده اخیرالذکر ضمن ارائه دو برگ استشهادیه تصدیق شده مدعی است سند مالکیت پلاک فوق بعلت نامعلومی مفقود گردیده و درخواست سند مالکیت المثنی نموده لذا بااستناد تبصره یک